



## علل و پیامدهای غیراقتصادی مسائل اقتصادی کشور

اگر مردم شهرها ایمان آورده، پارسایی پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم...<sup>(۱)</sup> (اعراف ۹۶)

### پیشگفتار

در اواخر خرداد ماه امسال، ۵۰ استاد برجسته اقتصاد، در نامه‌ای مبسوط و سرگشاده، درباره‌ی سیاست‌ها و عملکرد اقتصادی دولت به رئیس جمهوری هشدار دادند و از مسئولان نظام بازننگری اساسی در سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی کشور را مصرانه درخواست کردند. اقبال قابل توجهی از سوی دولت به آن نامه مهم نشان داده نشد، ولی در یازدهم تیر ماه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای خصوصی‌سازی صنایع بزرگ کشور - که از مهمترین تصمیمات اقتصادی نظام جمهوری اسلامی بوده، هدف آن تغییر نقش دولت از مالکیت گسترده و مدیریت مستقیم بنگاههای اقتصادی به سیاست‌گذاری و نظارت و نیز توانمندسازی بخش خصوصی و توسعه اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی و فقرزدایی... است - اعلام شد.

هدف ما در این نشریه تاکید بر اهمیت آثار عمیق عوامل غیر اقتصادی، از جمله عوامل فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و نهادهای تاریخی بر مسائل و بحران‌های اقتصادی کشور است. عدم توجه به اصلاح عوامل یادشده نه تنها بحران‌های اقتصادی کنونی را تشدید می‌کند، بلکه اثربخشی سیاست‌های اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی صنایع بزرگ کشور را با ناکامی مواجه ساخته، می‌تواند به نقض غرض بیانجامد.

---

(۱) وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ

اصولاً، چگونه می‌توان به این مسئله مهم ملی پاسخ داد که با کسب درآمدی سرشار از فروش نفت، چرا باید عملکردی این چنین ضعیف در حوزه اقتصاد داشته باشیم؟ فقر، اختلاف طبقاتی، تورم، سنگینی واردات، بیکاری بسیار بالا و بهره‌وری و درآمد سرانه بسیار پایین از جمله نشانه‌های عملکرد ضعیف اقتصاد ما است. هر چند که پاره‌ای از صاحب‌نظرانی که منابع گسترده اقتصادی ایران را بررسی کرده‌اند، توسعه نیافتگی ایران را یک پارادوکس (معما) می‌دانند، به نظر ما علت بنیادی چنین عملکردی ماهیتاً اقتصادی نیست، زیرا کشور ما با کمبود سرمایه، نیروی انسانی و مواد اولیه یا نداشتن زمین و امکانات لازم مواجه نمی‌باشد. حتی اگر چنین می‌بود، با درآمد سرشار نفت امکان تامین بسیاری از عوامل مذکور وجود می‌داشت. به این دلیل و بسیاری دلایل دیگر، ریشه‌های مسائل اقتصادی کشور در خارج از نظام اقتصادی، از جمله در نهادهای تاریخی و زیرنظام‌های فرهنگی و سیاسی (شامل مدیریت‌های کلان و خرد) جامعه، نهفته است. متأسفانه، به نظر می‌رسد که سیاست‌ها، تصمیمات و عملکرد اقتصادی دولت، که عمدتاً با شعار عدالت‌گستری همراه است، ساده‌انگارانه بوده، نه تنها به تحقق شعار کمک نکرده است، بلکه در نهایت به تقویت عوامل و علل پدیدآورنده مسائل اقتصادی منتهی خواهد گردید. در این نشریه، نابسامانی و آشفتگی اقتصادی کشور و علل و عوامل غیراقتصادی آن مطرح و به برخی از سیاست‌ها و تصمیمات دولت که بجای حل اصولی مسائل، به تشدید علل و عوامل آنها منجر خواهد شد، اشاره خواهد گردید و در پایان، به چگونگی برخورد اصولی با نابسامانی‌های مذکور توجه خواهد شد.

### پیچیدگی مسائل جامعه و ضرورت نگرش جامع برای حل موثر مسائل اقتصادی

امروزه پیچیدگی و درهم تنیدگی و آثار متقابل مسائل جامعه بر هم برای اهل نظر روشن‌تر از گذشته است. ساده‌انگاری مسائل اجتماعی، به نحوی که قابل تجزیه به مسائل ساده، مستقل و تک بعدی باشد، منطبق با واقعیت نیست. مسائل جامعه مجموعه‌ای از مسائل مرتبط است که سیستمی از مسائل را تشکیل می‌دهد. به رغم اینکه ما در بحث، مسائل را به اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کنیم، در واقعیت مسائل صرفاً اقتصادی، سیاسی،... مستقل از هم، وجود ندارد.

همان‌گونه که مسائل جامعه با یکدیگر در ارتباط است، راه‌های آنها نیز مرتبط بوده، آثار متقابل برهم دارد. بر این اساس، بکار گرفتن یک راه حل در مورد یک مسئله بر سایر مسائل و راه‌های آنها اثر می‌گذارد.

بنابر این، راه‌های بکار گرفته شده در مورد مسائل گوناگون باید مجموعه‌ای هماهنگ را تشکیل دهد. بعنوان مثال، نمی‌توان در مورد حل پاره‌ای از مسائل دولت از مدل اقتصاد دستوری (مانند دستور کاهش نرخ ارز) و در حل پاره‌ای دیگر از مسائل از مدل اقتصاد آزاد (مانند خصوصی‌سازی و آزادسازی) استفاده کرد.

پیچیدگی مسائل عملاً دولت‌ها را موظف به تهیه و ارائه چشم‌انداز، برنامه بلندمدت (مثلاً ۲۰ ساله) و برنامه‌های میان مدت (۵ ساله) و کوتاه مدت (۱ ساله) کرده است. در این برنامه‌ها سعی می‌شود که ترکیبی از راه‌های هماهنگ به صورت مجموعه‌ای (سیستمی) از طرح‌ها و پروژه‌ها برای مسائل مرتبط و پیچیده جامعه ارائه گردد.

در سالهای اخیر، تدوین چشم‌انداز و برنامه‌ریزی‌های متعاقب آن نور امید در جهت برقراری نظم و ثبات و امنیت، که از شرایط لازم و حیاتی توسعه است، ایجاد کرد. تدوین و تصویب چنین برنامه‌هایی، فارغ از ماهیت آنها، فی‌نفسه ارزشمند بوده، در بیشتر موارد و بطور معمول مانع از ارائه راه‌های موردی و خلق‌الساعه درباره مسائل مهم یا اقدامات نمایشی و قهرمان‌نمایی می‌گردد. ولی متأسفانه نگرش، تصمیمات و اقدامات اقتصادی دولت جدید محوریت و استحکام چشم‌انداز و برنامه‌های مرتبط با آن را در نظر بسیاری از صاحب‌نظران زیر سوال برده، امیدهای نوپا را تضعیف یا به ناامیدی تبدیل کرده است.

### عوامل غیراقتصادی بحران‌های اقتصادی

بحران‌های اقتصادی موجود که اخیراً در بیانیه پنجاه اقتصاددان کشور منعکس شده بود، همان‌طور که اشاره شد، تنها از عوامل اقتصادی سرچشمه نمی‌گیرد. بلکه عوامل غیراقتصادی (یا فرا اقتصادی)، منشأ یا تشدید کننده بسیاری از آنها است. فارغ از ساختار توسعه نیافته اقتصاد کشور و وابستگی شدید آن به درآمدهای نفت، که موجب رشد فرهنگ و اقتصاد دلالی و عقب ماندگی صنعتی شده است، نابسامانی‌های اقتصادی عمدتاً ناشی از سوء مدیریت، سوء استفاده از امکانات و تصمیمات متناقض یا ناهماهنگ، که بعضاً جنبه‌های سیاسی، حقوقی و فرهنگی دارد، می‌باشد.

حتی صدها میلیارد دلار درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و گاز که در سال‌های اخیر در اختیار دولت قرار گرفته است - و می‌توانست از طریق سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت موجب توسعه همه جانبه کشور شود، به علل غیراقتصادی (عمدتاً فرهنگی، سیاسی و مدیریتی) به افزایش تورم، پایین ماندن درآمد سرانه، افزایش شدید میزان واردات کالا، بهره‌وری اندک، افزایش شکاف طبقاتی و سختی معیشت مردم منتهی گردیده است.

بهره‌گیری ثمربخش از درآمدهای نفتی و سایر منابع سرشار کشور، از جمله منابع انسانی کارشناس و شایسته، مستلزم وجود شرایط مناسب سیاسی، شایسته سالاری و مشارکت واقعی مردم در امور و اعتماد و اطمینان نسبت به شرایط حاکم بر فضای سیاسی، قضائی و فرهنگی کشور است. ناامنی محیط‌های سیاسی و قضائی نه تنها موجب کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی شده است، بلکه فرار مغزها و سرمایه‌های داخلی را نیز در پی داشته است. نمونه آن رویدادی است که در دوره جدید ریاست جمهوری و دولت یکدست کنونی پدید آمده است. بنابر آنچه در رسانه‌های عمومی آمده است، میلیاردها دلار به کشورهای دیگر، از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس (بویژه دبی) منتقل شده است، تا در آنجا جایگاه مطمئن‌تری بیابد. ناامنی در محیط‌های سیاسی، روانی، قضائی و اجتماعی، از جمله تشدید تنش در روابط خارجی، موجب فرار سرمایه‌های مادی و معنوی، افزایش نرخ بیمه کالاها، افزایش سطح نگرانی و بی‌ثباتی اقتصادی گردیده است و خواهد گردید.

وابستگی سیاسی دست‌اندرکاران اقتصادی و دخالت‌های اقتصادی دست‌اندرکاران سیاسی موجب پیدایی رانت، بازار ناسالم و غیررقابتی و درآمدهای بادآورده سرشار برای گروه‌های خاص و افزایش شدید شکاف و اختلاف طبقاتی شده است. واگذاری اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی کشور به بسیج سازندگی، سپاه پاسداران و سازمان‌های وابسته به نهادهای نظامی به محیط سالم رقابتی و بخش خصوصی به شدت آسیب رسانده، حرکت اقتصادی را تحت تاثیر فشارهای قدرت سیاسی و نظامی از مسیر عادی خارج می‌سازد و اجرای کارها را پرهزینه می‌کند و اقتصاد رانتهی و دلالی را گسترش می‌دهد.

بنابراین، نه تنها نمی‌توان انتظار داشت که بخش خصوصی رشد کند و قابلیت رقابت در صحنه جهانی را بدست آورد، بلکه شعار عدالت گستری و ایجاد مناسبات عادلانه نیز در عمل نتایج معکوس خواهد داد.

در چنین شرایطی، حتی برخی از سیاست‌های کلان اقتصادی که می‌تواند در راستای حل مسائل اقتصادی مفید واقع شود، از سوی جامعه با اطمینان کافی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. بعنوان

مثال، هنگامی که واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی مطرح می‌گردد، مردم بی‌اعتماد، بیش از آن که موضوع را یک تصمیم راهبردی اقتصادی تلقی کنند، آن را در راستای سوء استفاده دست‌اندرکاران از اموال عمومی و دولتی ارزیابی می‌نمایند و عده‌ای نیز فکر می‌کنند که ناکارآمدی و بار مالی سنگین یا ورشکستگی شرکت‌های دولتی انگیزه چنین حرکتی شده است.

اگر آن دسته از عوامل اقتصادی که وضعیت کنونی را ایجاد کرده است همچنان دست نخورده باقی بماند، این خطر به شدت وجود خواهد داشت که همان‌هایی که پایگاه‌های سیاسی، حکومتی و فرهنگی را بطور یکپارچه در اختیار گرفته‌اند، مالکیت واحدهای ظاهراً خصوصی شده را نیز بدست آورند و چرخه باطل فقر، بی‌عدالتی و فساد قوی‌تر از پیش ادامه یابد.

حکمرانی خوب - که همان مدیریت درست جامعه است - مستلزم شایسته سالاری و ایجاد محیط‌های امن و امیدوارکننده داخلی و خارجی برای همکاری، همکنشی و پیشرفت همه جانبه، بویژه توسعه اقتصادی، است. متأسفانه، به علل سیاسی، دایره انتخاب‌ها و انتصاب‌ها محدود شده و در بسیاری از موارد اصل شایسته سالاری فدای ملاحظات سیاسی گردیده است. تصمیمات انفرادی، غیرکارشناسانه و تبلیغاتی فضا و محیط داخلی و تعاملات خارجی کشور را برای سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز کرده و ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به شدت کاهش داده است. سطح پایین سرمایه‌گذاری، کاهش درآمد ملی، اشتغال و تولید را همراه داشته و فقر و فساد را افزایش خواهد داد.

در همین دوره، حکمرانی خوب - به معنای تنظیم سیاست‌های سنجیده و تصمیم‌گیریهای مبتنی بر مطالعات کارشناسانه - کمتر مورد توجه جدی واقع قرار گرفته و مسیر نامطلوبی را پیموده است و نبود آن اقتصاد نامتعادل کشور را نامتعادل‌تر کرده است. افزایش شدید وابستگی بودجه سال ۱۳۸۵ به درآمد نفت (تا حدود ۴۰ میلیارد دلار) و برداشتهای سنگین از صندوق ذخیره ارزی - که به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، مانده آن در پایان اردیبهشت ماه سال جاری منهای ۴ میلیارد دلار بوده است - آشکارا نشانگر عدم تعادل و از هم گسیختگی اقتصادی است. افزایش ارزش واردات کشور از ۱۸/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱ به حدود ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ (بدون در نظر گرفتن کالاهای قاچاق، که رقم عمده‌ای را تشکیل می‌دهد) و پیش‌بینی افزایش بیشتر آن به حدود ۵۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵، نشانگر رشد بی‌سابقه مصرف و مصرف‌زدگی، رشد اقتصاد دلالی و کاهش بهره‌وری و توان تولید داخلی است که ریشه در حال‌نگری و کوتاه‌بینی و فقدان آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی دارد.

بحران بازار کالا، به رغم ورود گسترده کالاهای مصرفی بطور رسمی یا قاچاق به کشور، خود را بصورت افزایش سریع قیمت‌ها نشان داده است. بحران بازار سرمایه در شکل سقوط شاخص قیمت‌ها در بورس اوراق بهادار و عدم تحرک بورس قابل مشاهده است. بحران بازار پول بصورت افزایش شدید نقدینگی، تورم و نابسامانی نظام بانکی پدیدار شده است و بالاخره، بحران بازار کار در قامت افزایش بی‌رویه و ناگهانی حقوق و دستمزدها و بیکاری گسترده ادامه یافته است. نابسامانی‌های بالا به علت تصمیم‌گیریهای متناقض و ناهماهنگ - که از دو نگرش اقتصادی متفاوت (اقتصاد وابسته به بازار و اقتصاد دستوری) سرچشمه می‌گیرد و عمدتاً غیرکارشناسانه و غیرعلمی بوده، نشانگر برخوردی ساده اندیشانه با مسائل پیچیده جامعه است - ایجاد یا تشدید شده است.

### پیامدهای غیراقتصادی مسائل اقتصادی

اینک با توجه به این که رفتارها و سیاست‌های اقتصادی کنونی به احتمال قوی به حل مسائل و نابسامانی‌های گفته شده کمک نخواهد کرد و حتی به تشدید آنها خواهد انجامید لازم است که به آثار ثانوی سیاست‌های مذکور بر علل غیراقتصادی نابسامانی‌ها، از جمله عوامل فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، نگاه کرد.

رفتار اقتصادی دولت احساس امنیت و آرامش را، که شرط لازم برای تقویت انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و سازندگی است، بیش از پیش تضعیف کرده است، و این عامل اصلی برخی از ویژگی‌های نامطلوب فرهنگی جامعه را تشدید خواهد کرد؛ بعنوان نمونه، بی‌نظمی، عدم شفافیت و فرار از حساب و کتاب و پاسخگویی را گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد ساخت؛ کارهای زود بازده و منفعت طلبی‌های کوتاه مدت فردی، باندی و خانوادگی و روحیه به اصطلاح بازاری را رواج خواهد داد؛ فرهنگ برنامه‌ریزی بلندمدت و سرمایه‌گذاری برای آینده را تضعیف خواهد کرد؛ ساده‌انگاری، برخورد عاطفی با مسائل و عمل‌زدگی را به جای جامع‌نگری، عقلانیت و عاقبت‌اندیشی خواهد نشاناند و فرهنگ تصمیم‌گیری از بالا و وابسته کردن مردم به دولت و فرهنگ استبدادی و هرج و مرج خواهی را گسترش خواهد داد. گسترش چنین فرهنگی زمینه و امکان توسعه مشارکت واقعی مردم و گسترش آزادی‌های قانونی و مشروع را کاهش خواهد داد و توسعه سیاسی کشور را با محدودیت‌ها و موانع بیشتری روبرو خواهد کرد.

## راه حل اصولی

راهکار اصولی و راهبردی برای حل مسائل اقتصادی جامعه ایران ایجاد آرامش و امنیت از طریق پذیرفتن صادقانه حقوق اساسی مردم، رفع موانع مشارکت سازمان یافته و واقعی مردم در امور، توزیع عادلانه قدرت (پیش از توزیع پول نفت) توسعه اخلاق و هنجارهای سالم اجتماعی و بسط آزادی‌های قانونی و اساسی به وسیله حکومت و با کمک ملت است. در چنین صورتی، با ایجاد اصلاحات و تغییرات تدریجی در نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تقویت امید و امنیت، شرایط لازم برای حل مسائل اقتصادی فراهم خواهد آمد. تنها در چنین بستری سیاست‌های اقتصادی درست می‌تواند اثربخش واقع گردد.

قرآن کریم شرایط لازم برای توسعه اقتصادی و انسانی جامعه را با یک مثال روشن در سوره نحل چنین بیان کرده است:

خداوند، شهری (کشوری) را مثل می‌زند که دارای امنیت و آرامش بود و روزی (امکانات اقتصادی) فراوان از هر سو به آن می‌رسید ولی اهل آن (بجای شکر و استفاده صحیح از امکانات مذکور)، نعمت‌های الهی را ناسپاسی کردند و خداوند هم به کیفر اعمالشان گرسنگی (فقر اقتصادی) و ترس (از ناامنی) را دامگیرشان کرد<sup>(۱)</sup> (نحل ۱۱۲)

در آیه بالا امنیت و آرامش به عنوان دو شرط لازم برای جذب سرمایه و امکانات توسعه ذکر شده است. این دو شرطی است که عموم اقتصاددانان نیز آنها را برای توسعه ضرور می‌دانند. حل اصولی و اساسی مسائل و بحرانهای اقتصادی جامعه در گرو اصلاحات نهادی، فرهنگی و سیاسی و تأمین و گسترش امنیت، اطمینان و عدالت است.

## نهضت آزادی ایران

---

(۱) ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.